وقایع درمانگاه قم بار دیگر نشان داد جامعه ایرانی استعداد ایزوله شدن افکار و قطبی‌سازی اجتماعی را دارد

ایتا و توییتر نه! ایران واقعی را دریابید

میثم مهدیار: جامعه ایران به سمت قطبیدگی حرکت می‌کند

کمیل قیدرلو، پژوهشگر حوزه سیاستگذاری: پیله‌ای شدن و ارائه اطلاعات جهت‌دهی‌شده مهم‌ترین ویژگی جوامع شبکه‌ای است

زهرا طیبی-علی ملکی
گروه نقد روز

درگیری کلامی یک روحانی با مادری در یک درمانگاه، سوژه رسانه‌های مختلف ازجمله رسانه‌های ضدایرانی شده است. از زمان انتشار این خبر توسط شبکه اینترنشنال به‌عنوان اولین منبع، اظهارنظرها و سوالات مختلفی از سوی فعالان حاضر در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده. در ساعات اولیه خبری مبنی‌بر ابطال مجوز و پلمب درمانگاه منتشر شد و روز بعد دادستان آن را تکذیب کرد. این درگیری تا جایی در اذهان عمومی پررنگ شد که برخی نسبت به ادامه پیدا کردن این نوع خشونت‌ها به‌عنوان مقدمه‌ای بر تکرار ماجرای سال گذشته هشدار دادند. در ادامه ضمن تشریح فضای شکل گرفته در کشور به بررسی ریشه‌ها، اثرات و راه برون‌رفت از این فضا پرداخته شده است. همچنین برای تحلیل رفتارهای جامعه ایران به‌عنوان یک جامعه شبکه‌ای‌شده و متشکل از خرده جوامع ناهمگون با میثم مهدیار، جامعه‌شناس فرهنگی و کمیل قیدرلو، پژوهشگر حوزه سیاستگذاری و اقتصاد فرهنگی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که مشروح آن در ادامه گزارش آمده است.

ماجرا چه بود؟

بعد از ظهر روز شنبه ۱۹ اسفندماه ویدئوی درگیری در درمانگاه قرآن و عترت قم در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. تصاویر ثبت‌شده توسط دوربین‌های موجود در این درمانگاه حاکی از آن است که خانمی به همراه یک کودک خردسال که بنا بر ادعای خودش فرزندش است، در درمانگاه با یک روحانی درگیری لفظی پیدا کرده و مدعی است این روحانی درحال فیلمبرداری از او بوده است. در رسانه‌ها روایت این درگیری این‌گونه بازتاب یافت که روحانی مذکور به نیت نهی از منکر از این خانم فیلمبرداری کرده و قصد ارجاع آن به مراجع قضایی را داشته است. مادر طرف دعوا در درمانگاه قرآن و عترت اما در ویدئو مدعی است که به خاطر وضعیت بیماری فرزندش مضطرب و نگران است و دلیل وضعیت ظاهری‌اش نیز همین آشفتگی است. فارغ از اینکه واقعیت دقیق ماجرا چیست، همین روایت نصفه‌ونیمه نیز پیام‌های خوبی برای تجزیه‌وتحلیل دارد.

اینترنشنال منتظر شماست

آن سوی این ماجرا، سوالات و ابهاماتی است که ذهن مردم را به خود مشغول کرده. یکی از آن موارد علت فیلمبرداری از زنی است که به گفته خودش در شرایطی نامساعد شال از سرش افتاده. در این ویدئو فردی را می‌بینیم که سراسیمه در نگرانی از حال فرزندش به سر می‌برد. در سمت دیگر تصویر اما روحانی‌ای قصد عمل به وظیفه شرعی و قانونی‌اش را دارد و ساده‌ترین راه را برای عمل به این تکلیف انتخاب می‌کند؛ یعنی فیلمبرداری و احتمالا ارسال برای مراجع قضایی. یکی دیگر از مواردی که از لحظه پخش تصاویر مربوطه مورد سوال واقع شد، کیفیت صدا و تصویر دوربین‌ها بود. برخی با طرح این پرسش که چطور کیفیت تصاویر و صداهای دوربین‌های مداربسته به این حد بالاست، ادعایی مبنی‌بر ساختگی یا هدفدار بودن آن مطرح می‌کردند. از طرف دیگر طی بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد این تصاویر را اولین‌بار رسانه ضدایرانی اینترنشنال منتشر کرد. شبکه‌ای که همواره به دنبال سودجویی و کسب منافع ضدایرانی خود است. اینکه ویدئوهای دوربین مداربسته این درمانگاه مستقیما و با این سرعت از بخش حراست به چنین شبکه‌ای برسد، چندان قابل چشم‌پوشی نیست. البته که رسالت این شبکه‌ها دقیقا همین است. آنها تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف میان مردم ایران را به‌عنوان رسالت خود در رسانه تعریف کرده‌اند و بی‌صبرانه منتظر ساخت و پرداخت چنین سوژه‌هایی هستند، اما اینکه چه افرادی و با چه نیتی در تامین خوراک این رسانه‌ها فعالیت می‌کنند نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

ما یک‌روزه باحجاب یا بی‌حجاب نشده‌ایم

با توجه به تعدد موارد مشابه در سال‌های اخیر، اذهان عمومی آمادگی کامل را در نشان دادن واکنش به این موضوعات پیداکرده است. پیرو همین موضوع بلافاصله پس از انتشار این ویدئو، اخبار ضدونقیضی درخصوص آن منتشر شد و بار روانی سنگین اتفاق رخ‌داده را سنگین‌تر کرد. شبکه ایران اینترنشنال اولین رسانه‌ای بود که این خبر را در کانال تلگرامی خود در ساعت ۱۵:۵۹ روز شنبه منتشر کرد و پس از آن در دیگر رسانه‌های داخلی و خارجی بازنشر شد. برخی منابع در همان ساعات اولیه اعلام کردند که فرد هتاک به همراه مدیر درمانگاه و کارکنان درمانگاه توسط سازمان اطلاعات سپاه بازداشت و به دلیل همکاری با رسانه‌های معاند و ارسال فیلم دوربین مدار بسته برای آنها، مجوز درمانگاه باطل و مدیران درمانگاه به دستگاه قضایی معرفی شدند. صبح روز بعد اما دادستان قم این مطلب را تکذیب کرد. حسن غریب، دادستان قم در رابطه با ویدئوی منتشرشده از درمانگاه قم گفت: «در رابطه با این موضوع تاکنون فردی دستگیر نشده و تحقیقات ادامه دارد. شایعات در مورد پلمب درمانگاه یا ابطال مجوز آن صحت ندارد و هیچ‌گونه اقدام محدودکننده‌ای انجام نشده است.»

سکینه‌سادات پاد، دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی نیز در پاسخ به سوالی درباره فیلم درگیری یک خانم با فرد روحانی در درمانگاه قم، گفت: «این فیلم کامل نبود اما از کلیت آن و دوقطبی ایجادشده متاسفم. خشونت کلامی، مواجهه نازیبایی است. هرچند بازداشت آن زن تکذیب شد اما موضوع را پیگیری می‌کنم. اینکه دوطرف با خشونت با هم صحبت می‌کنند، خوب نبود و مواجهه طرفین با هم نازیباست. شرایط آن مادر که نگران فرزندش است، قابل درک است و شاید همین موضوع را قابل توجیه کند اما چه شده که روحانی طلبه برای امر به معروف، فیلم می‌گیرد و... این موضوع نیازمند آسیب‌شناسی جدی است و قطعا به دوطرف نقد داشته و سعی دارم این گفت‌وگوها را به سمت آرامی پیش ببرم. باید با هم حرف بزنیم چون مردمی هستیم که نه یک روزه با حجاب و نه یک روزه بی‌حجاب شده‌ایم. با نوع مواجهه خود نباید خشونت ایجاد کنیم و باید در این باره بیشتر فکر کنیم.»

کنش خیابانی نباید جایگزین کنش مدنی شود

اتفاقات سال‌های اخیر به‌طور کلی و ناآرامی‌های سال گذشته به‌طور خاص، جامعه را در مورد حجاب و پوشش ملتهب کرده است. در روزهای اخیر صحبت‌های مقامات و افراد مختلفی درخصوص مساله حجاب مطرح شد. سردار جعفری با بیان اینکه کشف حجاب معضل بزرگ فرهنگی ماست که می‌تواند تیشه به ریشه انقلاب بزند، گفت: «امیدوارم با تلاش و همت بیشتر برای جذب افراد بیشتر پای کار مقابله با بی‌حجابی، کار ما زودتر به نتیجه برسد. مطمئن باشید این فتنه به صورت کامل جمع خواهد شد.» همچنین روز جمعه بانکی پور، نماینده اصفهان در مجلس از کم شدن سه میلیون تومان از حساب بانکی افراد بابت جریمه بی‌حجابی خبر داد. جامعه امروز دچار رفتارهای سلیقه‌ای درخصوص حجاب شده و مستعد دوقطبی‌سازی است. پس این گفته‌ها منتج به قرارگرفتن مردم مقابل مردم، تعمیق شکاف‌های موجود و تشدید رادیکالیسم و خشونت می‌شود. همچنین کنش مدنی که امروز بیش از هر چیزی به آن نیاز داریم از بین رفته و جای خود را به کنش‌های خیابانی و پرخاشگرانه می‌دهد. بنابراین، این‌گونه رفتارهای سلبی باعث تنش در لایه‌های مختلف جامعه می‌شود و مردم را در مقابل مردم قرار می‌دهد.

شکاف‌های اجتماعی با چشم غیرمسلح هم دیده می‌شود

بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ که با مشارکت ۴۸درصدی برگزار شد دیگر هر فردی می‌تواند با چشم غیرمسلح شکاف‌های اجتماعی و سیاسی موجود در کشور را مشاهده کند. شکاف‌هایی که در بیش از یک سال گذشته مصادیق زیادی از آن بروز پیدا کرد و بعضا به خشونت کشیده شد. بسترهای بالقوه نزاع بر سر مساله حجاب، قومیت و ملیت در یک سال گذشته تا حد زیادی بالفعل شده است. شکاف‌های اجتماعی در ادامه اثر خود را هم بر میزان مشارکت در انتخابات مجلس و هم بر میزان آرای نمایندگان منتخب در تهران نشان داد. انتخاباتی که مطابق نتایج آن می‌توان مدعی شد بخش زیادی از رای‌دهندگان بیشتر از آنکه برای انتخاب کردن پای صندوق حاضر شده باشند برای انتخاب نکردن رای داده‌اند. شکاف‌های اجتماعی و قطبی‌سازی جامعه شاید به گروه‌های سیاسی هویت ببخشد اما از میزان محبوبیت آنها کاسته و این هویت برساخته‌شده را تا حد زیادی بی‌پشتوانه می‌کند. اگر بحران اجتماعی موجود به درستی درک شود می‌توان تازه امیدوار شد عزمی برای عبور از فضای ۱۴۰۱ که تبعاتش تاکنون ادامه دارد نیز به‌وجود بیاید. اکنون باید انتخاب کنیم که مسیر ترمیم شکاف‌های اجتماعی را پی بگیریم یا با تداوم رفتارهای قطبیده‌شده آن را تشدید کنیم. یا باید تمام مردم را با تنوع زیستی که دارند، به رسمیت شناخته و به سمت ترمیم تدریجی شکاف‌ها برویم و یا باید با تک‌نسخه‌ای دیدن جامعه تلاش کنیم تا همه جامعه شبیه هم شده و چالش‌های اجتماعی نادیده گرفته شود. اگر در ۱۴۰۳ مسیر فعلی را اصلاح کرده و تخم وفاق بکاریم می‌توانیم امیدوار باشیم که در ۱۴۰۴ با کمرنگ شدن شکاف‌های اجتماعی هم‌افزایی و مشارکت حداکثری را شاهد باشیم. در غیر این صورت نیز باید به مشارکت زیر ۵۰ درصد مدام رو به نزول در طی سال‌های آتی عادت کنیم. ۱۴۰۳ مهلت باقی‌مانده برای تعیین‌تکلیف این سوال است؛ آیا با یک پاسخ منطقی مسیر سخت را انتخاب می‌کنیم و یا با یک پاسخ سطحی به سراغ یک مسیر غیرممکن می‌رویم؟ کنش‌های مختلفی از مسئولان مختلف را در چندروز اخیر شاهد بودیم که نشان می‌داد بسیاری به درپیش گرفتن مسیر تخریبی دوم رغبت بیشتری دارند. در عین حال وجود نگاه‌های وحدت‌ساز تا حدی این دوقطبی‌سازی را مهار کرده است و امید می‌رود همین نگاه بتواند مانع از چندپاره شدن جامعه شود.

تاکید بر رفتارهای دوقطبی‌ساز کف خیابان

درحالی که وجود نزاع‌های بسیار بر سر مساله گشت ارشاد باعث شکل‌گیری شکافی بین جامعه و نهاد حکمرانی شده بود گروهی برای حل مساله راه‌حل مردم در برابر مردم را توصیه کرده و با دستاویز قرار دادن کلمه امر به معروف به برخوردهای سلبی غیرسازنده وجاهت قانونی بخشیدند. اتفاقاتی که در قم، نارنجستان شیراز و مشهد رخ داد نمونه‌هایی از همین رویکرد است. تداوم این رویکرد در متروهای شهر تهران نیز اخیرا جنجال‌برانگیز شده بود. با وجود اتفاقات رخ‌داده اما برخی چهره‌ها همچنان بر تداوم مسیر گذشته تاکید دارند. سردار عزیز جعفری، روز جمعه در مراسمی که با عنوان «آیین تجلیل از آمران به معروف و ناهیان از منکر» برگزار می‌شد با بیان اینکه از نبودن در میدان حسرت می‌خورد اعلام کرد وظیفه خود می‌داند در خیابان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را ادا کند. عزیز جعفری خطاب به اعضای قرارگاه قاسم افزود: «به فکر توسعه اقدامات خود باشید. با همکاری شهرداری تهران در کنار مترو تئاترشهر، در سایر ایستگاه‌های مترو هم باید فعالیت خود را شروع کنیم. همان‌گونه که در انتخابات هرکس باید اطرافیان خود را به انتخابات دعوت می‌کرد شما هم اطرافیان خود را برای امر به معروف دعوت کنید. البته حتی اگر در سایر ایستگاه‌ها هم کارمان را توسعه ندهیم، فعالیت‌های ما در مترو تئاترشهر متوقف نخواهد شد اما می‌خواهیم با توسعه اقدامات خود، زودتر بساط فتنه بی‌حجابی را خنثی کنیم.» سردار جعفری با بیان اینکه کشف حجاب معضل بزرگ فرهنگی ماست که می‌تواند تیشه به ریشه انقلاب بزند، گفت: «امیدوارم با تلاش و همت بیشتر برای جذب افراد بیشتر پای کار مقابله با بی‌حجابی کار ما زودتر به نتیجه برسد.» اگرچه عزیز جعفری با تشدید اقدامات کف خیابان به دنبال افزایش سرعت جمع شدن بساط بی‌حجابی است، اما آنچه اتفاق افتاده نشان می‌دهد که خروجی اقدامات سلبی جز سرعت تشدید رادیکالیسم سرعت چیز دیگری را زیاد نکرده است.

مجوز بی‌حجابی پولدارها

لایحه عفاف و حجاب که هم‌اکنون در مجلس در دست بررسی قرار دارد یکی از جنجال‌برانگیزترین اقدامات مجلس یازدهم است که بازتاب اجتماعی گسترده‌ای نیز پیدا کرده است. یکی از مهم‌ترین ایراداتی که از جانب منتقدان به این لایحه وارد می‌شد این بود که برابرسازی بی‌حجابی با جریمه مالی به این معنی است که هر کس پول بیشتری داشته باشد، مجوز آسیب به فرهنگ عمومی جامعه را دریافت کرده و این یعنی وجود بی‌عدالتی. با این وجود صحبت‌های اخیر رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس بر اجرای مهم‌ترین ایراد لایحه تاکید دارد. امیرحسین بانکی پور، در برنامه افق با بیان جزئیاتی درباره لایحه حجاب و عفاف گفت: «اگر کسی مرتکب بی‌حجابی شود جریمه می‌شود. این جریمه مستقیما توسط مامور نیروی انتظامی صورت نمی‌گیرد، بلکه سامانه‌ای است و مبلغ آن ۳ میلیون تومان است. اگر فرد نان‌آور خانواده باشد تا حدی باید در حسابش پول باشد؛ مابقی آن کسر می‌شود و اگر در حساب پول نباشد، به عنوان بدهکار حساب خواهد شد.» بانکی‌پور درنهایت مدعی شده که این لایحه در مجلس نهایی شده و حتی بعد از عید به اجرا درمی‌آید. ادعایی که با واکنش سکینه‌سادات پاد، دستیار رئیس‌جمهور مواجه شد. پاد درمورد اظهارات بانکی‌پور که بازتاب بسیاری داشته است، گفت: «بیشترین چالش من همین مسائل است که بالاخره چه تعریف خواهیم داشت؛ آیا این موضوع تخلفی شرعی است؟ آیا جرم است؟ یا چیست؟ البته که اظهارات آقای بانکی‌پور اظهارات خودش است و موضع مجلس نیست.» این اظهارات نشان می‌دهد آنچه بانکی‌پور از اجرایی شدن آن خبر می‌دهد هنوز در سطوح بالای اجرایی مورداجماع قرار نگرفته و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نباید ایده شخصی خود را بدون هیچ توضیحی مطرح کرده و جنجال‌آفرینی بکند.

اصرار بر نزاع‌های مخرب

حمید رسایی یکی از جنجال‌برانگیزترین چهره‌های یک ماه اخیر بوده است. او که هویت سیاسی‌اش را بر ایجاد دوقطبی و نفی دیگران تعریف کرده است در انتخابات اخیر نیز از همین راهبرد بهره برد. رسایی در ادامه نیز رویکرد نزاع‌برانگیز خود را تداوم داد و با حضور در صداوسیما علی‌رغم تذکر رهبر انقلاب بر ایجاد شکاف سیاسی اصرار ورزید. او حتی از محمدباقر قالیباف نیز اسم برد تا نشان دهد عزمی برای پایان دادن به دعواهای غیراثرگذار ندارد. آنچه باعث می‌شود شکاف‌های اجتماعی در جامعه تشدید شود، مصادره به مطلوب واژه مردم به نفع گروه‌ها و چهره‌های مختلف است و اگر این گروه‌ها صرفا اقلیتی از جامعه را نمایندگی کنند چنین مصادره‌ای خطرناک‌تر نیز خواهد بود. حمید رسایی درحالی که در حوزه انتخابیه خود نیز ۵ درصد رای آورده است، حال تلاش دارد خود را به عنوان نماد مطالبه مردم یک کشور مبنی بر تغییر و تحول در فضا و ساختار سیاسی کشور معرفی کرده و برای اکثریت غیرهمسو با خود تعیین‌تکلیف کند.

جبهه ترمیم

در شرایطی که برخی چهره‌ها خواسته یا ناخواسته باهم هماهنگ شده و فضای انتخابات و پساانتخابات را به سمت تشدید نزاع‌های اجتماعی و سیاسی می‌برند و برای اتفاقاتی نظیر آنچه در قم رخ داد زمینه‌سازی می‌کنند، نگاه متقابلی نیز وجود دارد که امید می‌رود بتواند این اجماع بر سر تشدید نزاع را درهم بشکند. رهبر انقلاب که بارها بر حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه تاکید کرده‌اند بار دیگر روز پنجشنبه در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان نیز اجتناب از اختلاف‌افکنی در فضای سیاسی را لازم دانستند. ایشان با اشاره به طراوت و نشاط اجتماعی حاصل از تشکیل مجلس جدید به آفت‌های آسیب‌زننده به این طراوت نیز اشاره کرده و دراین‌باره بیان داشتند: «تشکیل هر مجلس جدیدی، برای کشور یک سرمایه باارزش و مورد استفاده است؛ باید این را قدر دانست. مثل یک خونی است که در رگ‌های مجموعه سیاسی و اجتماعی کشور جاری می‌شود و ان‌شاءالله اثر می‌کند. حادثه شیرینی است، لکن این حادثه شیرین را می‌شود تلخ کرد؛ مثل همه حقایق شیرین عالم، یک چیزهایی هم وجود دارد، عواملی هم وجود دارد که می‌توانند این شیرینی را از بین ببرد. بنده اینجا یادداشت کرده‌ام، آن چیزی که می‌تواند شیرینی مجلس جدید را نابود کند، سخنان اختلاف‌انگیز و دعوا راه انداختن‌ها و ستیزه‌گری‌های دشمن‌پسند است. شیرینی مجلس جدید را این‌جور چیزها از بین می‌برد. باید خیلی مراقبت کرد. باید خیلی مراقبت کرد.» با وجود اینکه رهبر انقلاب دو مرتبه مراقبت از شیرینی مجلس جدید را مورد تاکید قرار دادند، برخی چهره‌های سیاسی نشان دادند که عزمی برای این مراقبت نداشته و برای توسعه اختلافات به بستر جامعه و تشدید شکافه‌های اجتماعی مختلف رغبت بیشتری دارند.

جامعه ایرانی به سمت شبکه‌ای شدن حرکت می‌کند؟

اگر اخبار و اطلاعات روز را تنها در ایتا و ویراستی دنبال کنیم، مشخصا در اتفاقاتی مثل آنچه در درمانگاه قم رخ داد. مقصر ماجرا فردی دانسته می‌شود که در واکنش به روحانی برخورد کرده است. در این فضا اخباری مبنی‌بر بازداشت عامل و تعطیل شدن درمانگاه هم منتشر می‌شود. همین اتفاق در رسانه‌های اجتماعی مثل توییتر یا تلگرام متفاوت است و بیشتر نقدها و تحلیل‌ها ناظر به آنچه را در این درگیری اتفاق افتاده شاهد هستیم. در نگاه به این مساله می‌توان گفت مخاطبان ایتا در مقایسه با توییتر و تلگرام، برداشت متفاوتی از اتفاق‌ها دارند و هرکس تصور می‌کند نگاهی که آنها دارند، نگاه اکثریت جامعه ایران است. این شکل از جامعه ایرانی، نظریه‌ای تحت‌عنوان «جامعه شبکه‌ای» را مورد توجه قرار می‌دهد. مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی نظریه‌ای تحت این عنوان را مطرح کرده است. او در تعریف این نظریه این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که شبکه‌ها شکل اجتماعی جدید ما را شکل می‌دهند. ویژگی جامعه شبکه‌ای، برتری شکل اجتماعی بر کنش اجتماعی است، ازجمله ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای این است که افراد از طریق آن شبکه به هم متصل می‌شوند، ارتباطات افقی دارند و بدون وجود مرجعیت هم راستای یکدیگر محتوا و اطلاعات را منتشر می‌کنند. این زیست اجتماعی برخلاف گذشته تنها یک مرجع اطلاعات و محتوا را در اختیار افراد قرار نمی‌دهد، ازجمله ویژگی‌های قابل‌توجه جامعه شبکه‌ای، سلبریتی‌محوری آن است. با نگاهی به این ویژگی‌ها می‌توان گفت جامعه ایرانی درحال حرکت به‌سمت جامعه شبکه‌ای است که نمونه آن را می‌توان در رفتار متفاوت مخاطبان ایتا و تلگرام و توییتر مشاهده کرد، برای مثال در ماجرای انتخابات با دوطیف مواجه بودیم. یک بخش افرادی بودند که انتخابات را تحریم و از آن دفاع کردند. یک بخش نیز افرادی بودند که در انتخابات مشارکت کردند اما آنها نیز برمبنای خواست و نگاه احزاب سیاسی و نهادهای حکمرانی عمل نکردند و برخی رای باطله دادند، برخی نیز تلاش کردند تا افراد را گزینش کنند و لیستی رای ندهند. در ادامه برای بررسی بیشتر این نگاه و کنش شبکه‌ای جامعه ایرانی، با میثم مهدیار، جامعه‌شناس فرهنگی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.

جامعه ایران در شرایط قطبیدگی

مهدیار درباره اینکه آیا جامعه ما به‌سمت شبکه‌ای شدن حرکت کرده یا خیر، گفت: «مفهوم «جامعه شبکه‌ای» امکان‌ها و تبعات مختلفی را در رابطه با نسبت رسانه‌های اجتماعی دیجیتال جدید پیش می‌کشد. یکی از این تبعات ناظر به این است که این پلتفرم‌های اجتماعی، هاله خاص خود را در اطراف خود ایجاد می‌کنند و هر پلتفرمی، برخلاف آنچه تصور می‌شد محلی برای عام‌گرایی، گسترش مدارا و گفت‌وگو و تضارب آرا هستند، اما در واقعیت این رخ نمی‌دهد. درواقع می‌توان گفت خوش‌بینی‌های اولیه‌ای که درمورد رسانه‌های اجتماعی جدید وجود داشت که مثلا می‌توانند فضای بحث و گفت‌وگو را فراهم کنند به دموکراتیزه شدن حوزه عمومی کمک می‌کند. امروزه خیلی اتفاق نیفتاده، حتی شاید به قطبی شدن جامعه منجر شده است. این شاید به این خاطرست که کارکردهای شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در یک بستر فراشبکه‌ای معنا پیدا می‌کنند.»

مهدیار به این موضوع اشاره کرد که برخلاف آنچه گفته می‌شد شبکه‌های اجتماعی فضایی برای آزادی‌بیان و تضارب‌آرا نیستند و توضیح داد: «به این معنا درواقع این پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی صرفا یک فرم و ابزاری برای انتقال محتوا نیستند، بلکه دلالت‌های فراشبکه‌ای که حول این پلتفرم‌ها وجود دارند، به محتوا هم جهت می‌دهد. این دلالت‌ها می‌تواند دلالت‌های سیاسی باشد، مثلا در اینستاگرام خیلی از پست‌هایی که در مورد برخی موضوعات و افراد گذاشته می‌شود. اگر شما درباره فلسطین پست بگذارید یا شهادت قاسم سلیمانی یا مسائل ارزشی در ایران یا در نقد صهیونیسم جهانی پستی بگذارید، حذف می‌شوید.»

شبکه‌های دیجیتال گاهی به قطبی شدن جامعه منجر می‌شوند

رسانه‌های اجتماعی حتی در مواردی به رادیکالیسم موجود در جامعه دامن می‌زنند. این امری است که مهدیار به آن اشاره کرد و در ادامه گفت: «این دلالت‌ها برخی اوقات فرهنگی یا سیاسی هستند، مثل اتفاقی که برای رسانه‌های بومی ویراستی و ایتا شکل گرفته است. این پلتفرم‌ها در یک تقابل سیاستی درباره اینترنت و شبکه ملی اطلاعات، فیلترینگ و موضوعاتی از این دست سربرآورده‌اند و مخاطب‌های خاص خود را دارند و این فضاها از جهت محتوایی، شکل و شمایل خاص خود را پیدا می‌کنند. کمااینکه شبکه بالاترین هم همین‌گونه بود یا توییتر به‌مثابه فضایی است که بیشتر سیاسیون و خبرنگاران، جریان خبری و محتوایی را رهبری می‌کنند و تعیین‌کننده هستند. درواقع امروز برخلاف آن خوشبینی که در شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌های اجتماعی جدید وجود داشت، شبکه‌های دیجیتال شبکه‌های ارتباطی فراسوی خود را به وجه دیگری بازتولید می‌کنند و حتی به قطبی شدن جامعه منجر می‌شوند. این امر نه‌تنها در ایران که در خیلی از کشورها اتفاق افتاده است، اگر خاطرتان باشد در یک سال قبل طرفداران ترامپ در آمریکا، رسانه اجتماعی خاص خود را راه‌اندازی کرده‌اند و ترامپ از آن رونمایی کرده است. حالاالبته به فراخور این زمینه‌های فراشبکه‌ای این موضوع در بعضی رسانه‌ها کمتر و در بعضی رسانه‌ها بیشتر دیده می‌شود. اما آنچه مشخص است این است که این شبکه‌ها و این پلتفرم‌های اجتماعی، محتوا و جامعه مخاطب و نحوه تعامل کاربران در این پلتفرم‌ها، تحت‌تاثیر دلالت‌های فراشبکه‌ای قرار می‌گیرد و آنها در این ماجرا تعیین‌کننده‌اند و در چیزی که ما به آن حوزه عمومی می‌گوییم، اختلال ایجاد می‌کنند. حوزه عمومی جایی است که قرار است شهروندان درکنار هم با یکدیگر گفت‌وگو و دیدگاه‌های یکدیگر را اصلاح کنند. بر این اساس رسانه‌های اجتماعی نه‌تنها به توسعه جامعه مدنی و حوزه عمومی کمک نمی‌کنند، بلکه می‌توانند در این حوزه مخاطراتی ایجاد و رادیکالیسم و افراط‌گرایی را تقویت کنند. البته این خیلی محدود به ایران نیست، می‌توان مثال‌های مختلفی را آورد، در مورد نژادپرستانی که در اروپا شبکه‌های اجتماعی خاص خود را دارند و افکارشان را تبلیغ و ترویج می‌کنند. در آمریکا نیز افرادی مثل ترامپ شبکه اجتماعی خود را راه‌اندازی می‌کنند که به شکل‌گیری کالت‌ها و کلونی‌هایی از آدم‌ها با رفتارها، گرایش‌ها، اندیشه‌های خاص همسو منجر می‌شود و افراد امکان تبادل و گفت‌وگو با آرا و افکار مقابل خود را از دست می‌دهند.»

تاکید روی اشتراکات فرهنگی راه عبور از قطبیدگی جامعه ایرانی

مهدیار در توضیح اینکه در جامعه قطبی‌شده باید چه کنیم نیز گفت: «درواقع ماجرا پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌کنیم. از طرفی محدودیت‌ها و آسیب‌هایی که شبکه‌های اجتماعی یا پلتفرم‌های آمریکایی برای ما ایجاد کرده‌اند که هم مخاطرات امنیتی هم مخاطرات فرهنگی پدید آورده‌اند. هم مساله کلان داده‌های ایرانیان که از لحاظ امنیتی در اختیار سرورهای آمریکایی قرار می‌گیرد و امکان دستکاری و تاثیرگذاری بر افکارعمومی را تسهیل می‌کند. از طرفی تقلای ما برای اینکه بتوانیم فضای بومی داشته باشیم که حداقل از لحاظ امنیتی از شهروندان خودمان مراقبت کنیم. اینها را بگذارید درکنار اینکه از آن سمت هم تحریم اقتصادی خارجی فضای کشور را مشوش و نارضایتی‌ها و اعتراضاتی را که ایجاد کرده است، از آن سمت هم کژ کارکردی‌های نهادی داخلی نارضایتی‌هایی ایجاد کرده است. درنهایت ضرب اینها در یکدیگر چنین فضاهای دوقطبی‌ای را تقویت می‌کند؛ فضایی که می‌توانیم نام آن را شکاف اجتماعی یا قطبیدگی اجتماعی بگذاریم. امکانی که برای گذر از این شکاف داریم این است که روی اشتراکات فرهنگی- که می‌توانند امکان بحث و گفت‌وگو را فراهم کند- تاکید کنیم. اشتراکات می‌توانند سابقه فرهنگی ایران باشند، پتانسیل‌های فرهنگی و مشترک ایرانیان مثل دین، آیین‌ها و مناسک ملی دینی، ادبیات و خیلی از رسم‌های ویژه‌ای که ایرانیان روی آن اشتراک‌نظر دارند و ما نسبت به میراث تاریخی و فرهنگی‌مان اشتراک نظر داریم. روی ادبیات‌مان اشتراک‌نظر داریم که باید حفظ و تقویت شود، از مسیر تقویت این اشتراکات فرهنگی است که می‌شود از این قطبیدگی اجتماعی مقداری فراتر رفت و امکان بحث و گفت‌وگو و مسدود کردن این افراطی‌گری را فراهم کرد. مساله قطبیدگی سیاسی و اجتماعی موضوع جدیدی نیست، تقریبا علوم اجتماعی در سه، چهاردهه گذشته، موضوع تقابل دولت، ملت یا شکاف‌های اقتصادی یا فرهنگی یا شکاف رسانه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی بحث شده و اینکه هرکدام از آنها می‌توانند چه تبعاتی داشته باشند. در همین مسائل روز نوع تحلیل‌هایی را که در رسانه‌های اجتماعی مختلف وجود دارند و این تقابل‌ها را دید، مثلا در فضاهای مثل ایتا و ویراستی تاکید روی اجرای احکام قانونی حجاب وجود دارد. وجه حقوقی رعایت نکردن حجاب مورد بحث قرار می‌گیرد و در رسانه‌های دیگر وجه حقوقی و هنجاری حجاب مورد خدشه قرار می‌گیرد و بیشتر از موضع فرهنگ لیبرال و موضع سیاسی به ماجرا پرداخته می‌شود و قطبیدگی خود را اینجا نشان می‌دهد.»

جامعه یکدست ایران به تدریج چندقله‌ای شده است

در ادامه برای بررسی ویژگی‌های جامعه قطبیده‌شده و آسیب‌های آن به سراغ کمیل قیدرلو، پژوهشگر حوزه سیاست‌گذاری و اقتصاد فرهنگی رفته‌ایم. قیدرلو این فضای قطبیده را این‌گونه تشریح می‌کند: «خیلی وقت است در ادبیاتی که حداقل در مطالعات اجتماعی فرهنگی دنبال می‌کنم، بحث جامعه دوقله‌ای یکی از محورهای تحلیلی من بود؛ جامعه‌ای که عملا از یکدستی خارج شده و کم‌کم آنقدر فاصله گرفته که انگار دو جامعه در جامعه ما زیست می‌کنند؛ دو نظام معنایی متفاوت دارند و دو فرهنگ را حمل می‌کنند؛ دو نظام باور، ارزش، دو نظام هنجار، دو دسته رفتار و دانش‌های متناسب با آن و دو گونه سبک زندگی را درخواست می‌کنند و به دو دسته تعلق دارند. خیلی وقت بوده این شکاف در جامعه ما وجود داشته است. این دو گروه مطالباتی را مطرح می‌کنند. گویا به دو تمدن تعلق دارند. این شکاف خیلی وقت بوده که در زیست اجتماعی ما وجود داشته و رفت و برگشت پیدا می‌کرده اما اگر انقلاب را مبدا تحلیلی خودمان قرار دهیم، جامعه در اظهار مطالبات خود، یک‌دستی داشته است. مثلا ۹۸٫۲ درصد مردم ما معتقد و ملتزم به ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده‌اند. جامعه مرجع و یک وحدت علمی وجود داشته است. بعد از گذشت ۴۵ سال اما جامعه در یک زیست متوقف نمانده و حرکت کرده است. این تحرک اجتماعی کم‌کم، با نظام‌ها و نهادهایی که عملا در این مدت بعد از انقلاب شکل پیدا کردند، یک تجربه و یک شرایط جدید به وجود آورده که درنتیجه گروهی از نظام اجتماعی از بقیه بخش‌ها جدا شدند و مدل زیست دیگر و نظام معنایی دیگری را انتخاب کردند. ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم اینها را یکدست بدانیم، یک طیف هستند اما کلیت این است که می‌توانید یک تمایز کلی در کلیت جامعه ایجاد کنید؛ جامعه‌ای که گویا در مقابل جامعه تک‌قله‌ای و یکدست، یک جامعه دوقله‌ای یا شاید چندقله‌ای است، اما حداقل آنچه الان در جامعه می‌توان دید و مشهود است و الان آمارها و دیتای کیفی هم آن را تایید می‌کند، این است که جامعه دوپاره شده است و عملا میانه شدن در حال از بین رفتن است.»

جامعه قطبیده عرصه تقابل فرهنگ‌ها و پادفرهنگ‌هاست

این پژوهشگر حوزه سیاستگذاری در ادامه جامعه قطبیده‌شده را این‌گونه معنی می‌کند: «قطبیده شدن به این معناست که تمامی توان فرهنگی و اجتماعی من در دو قطب مقابل هم تعریف می‌شود. گویا یکی فرهنگ و دیگری پادفرهنگ و در طرف دیگری است. در عناصر مشابه محدودی اشتراک دارند و بسیاری از عناصر محدود آنها دچار اختلاف شده است. لذا این مسیر، در جامعه من دو نظام معنایی را به عناصر مختلف اجتماعی نسبت می‌دهد؛ یکجا ارزش یک گروه اجتماعی من ضدارزش جامعه دیگر است. در هر پدیده اجتماعی گویا دو گروه مقابل ما وجود دارد؛ موافقان و مخالفان و می‌شود همه را ثابت دید، همه موضوعات گویا، همین نسبت را دارد. در همه‌جا کنش‌ها معین شده و همگن است. پس یک امر قابل‌مشاهده اجتماعی است که گویا یک تقابل در جامعه وجود دارد، و این جامعه دو طرف دارد که در برابر هم ایستاده‌اند. در موضوعات مختلف انگار جامعه دوپاره شده است. سوال این است که در این پاره‌شدگی آیا جماعات کوچک‌تری نیز وجود دارد؟ می‌شود این را ذیل نظریه قابل نو تحلیل کنیم که گویا جوامع ما ذیل این دو گفتمان براساس سلایق و انتخاب‌ها گروه‌بندی می‌شوند و این انتخاب‌ها و سلایق، بر بستر فضای مجازی متدهای مختلفی پیدا کرده و شما می‌توانید در بستر فضای مجازی، تعلق خودتان را با سلایق مختلف که لزوما یکپارچه هم نیستند ببینید، در آنها عضویت داشته باشید و خرده اجتماعات کوچک‌تر را در فضای شبکه پیدا کنید که مابه‌ازای محقق‌شده خارجی هم احتمالا داشته باشند. داده‌های ما نشان می‌دهد جامعه در لایه‌های پایین و لایه باور دچار تغییرات بنیادین شده است. در اصول دین هم در لایه‌های مختلف فرهنگی شواهدی دیده می‌شود که آسیب‌دیدگی در جامعه وجود دارد؛ فاصله‌ای ایجاد شده است. قبلا می‌گفتم جامعه دیندار است؛ کنش‌های دینی مساله‌دار است. الان می‌توانم بگویم می‌شود بخشی از جامعه را دیندار حساب نکرد و این درصد قابل‌توجهی است. قبلا باید میکروسکوپی نگاه می‌کردیم؛ الان با چشم غیرمسلح هم دیده می‌شود. در دو جامعه مدنظر من خرده‌جوامعی را می‌توانید کشف کنید که مبتنی‌بر سلایق و انتخاب‌های جامعه همگن می‌توانند یک هویت غیرمنسجم داشته باشند و عملا فضای مجازی این را انجام داده است. من می‌توانم ببینم افراد پیگیر و مروج عناصر مختلفی از تعارض‌ها و زیست‌های غیریکپارچه در جامعه هستند و این تعارض‌ها امکان ایجاد یک صدا و مطالبه واحد را از اینها می‌گیرد. این افراد در آنچه می‌خواهند همگن نیستند اما در آنچه نمی‌خواهند مشابهت‌های جدی دارند.»

همراهی و نزاع همزمان با تمدن غربی منجر به دوپارگی جامعه شد

قیدرلو ریشه‌های شکل‌گیری چندقطبی را این‌گونه تشریح می‌کند: «این دوپارگی در بستر تاریخی جامعه ما شکل گرفته است. در دل این دوپارگی به خاطر فرصتی که شبکه اجتماعی و فضای مجازی داده، در جامعه خرده‌جوامع ایجاد کرده‌ایم. یک جامعه تکه‌تکه شده داریم. آدم‌ها و عناصر هم متعلق به این تکه‌ها نیستند و هرکس ممکن است بخشی از هویتش را در این تکه‌ها پیدا کند. آدم‌ها لزوما هویت یکپارچه‌ای ندارند. مخصوصا در نسل نو که پرورده این فضای جدید است خیلی مشاهده می‌شود. اما چرا این ایجاد شده؟ باید گفت در دل تمدن غربی تعارض‌هایی با نگاه سنت‌گرای جوامع شرقی وجود دارد. در بطن مواجهه ما، این نطفه وجود داشته و هرچه جلوتر رفته‌ایم این فاصله‌گذاری بیشتر شده و میوه‌های این تعارض در قالب نهادهای اجتماعی هم تحقق پیدا کرده است. مثلا براساس نگاه مدرن مدرسه ساختید، دانشگاه ساختید، کتاب درسی تالیف کردید، محتوا تهیه کردید، ساختار حکومتی شکل دادید، نهاد و سازمان تولید کردید. اینها براساس کدام عقل و منطق شکل گرفتند؟ همچنین از رسانه‌های نو استفاده کردید. این رسانه‌ها حامل فرهنگ آن طرف بودند و شما یاد گرفتید که برای خودتان از آن استفاده کنید. شما مبتلا شده‌اید به زندگی مدرن و ناگزیر بودید تمام ارزش‌های ظاهری جامعه مدرن را بپذیرید. مثلا فرزند کمتر، زندگی بهتر. ما مبانی اقتصادی‌مان را از آنها گرفتیم و حالا می‌خواهیم با آنها رقابت کنیم. همه اینها جامعه ما را در دل وضعیت جدید دوقطبی کرده. تمایزهای ما عامل ناکارآمدی‌های ما در ذهن جامعه شده است. جاهایی که ما داریم کار می‌کنیم امتداد زیست مدرن پیروز شده. جامعه ما در دل مسیری که طی کردیم به‌گونه‌ای زیستش با چهارچوب شرایط مدرن تعریف شده و پیش رفته است. در دل آن سازمان‌ها و نهادها روابط و قواعدی که خیلی‌هایش حداقل صورت مدرن پیدا کرده‌اند، شکل گرفته. اما انتظارات و مطالبات ما این است که جامعه جدیدمان متناسب باشد با امر دینی که این امتداد واقعی در زیست اجتماعی ما پیدا نکرده و بیشتر یک خواسته بوده تا یک امر واقعی. عملا بخشی که شعارش را می‌دادیم همواره آن ارزش‌ها بوده اما در بخش عملی با شرایط زندگی مدرن مواجه بوده‌ایم. عدم موفقیت در دستیابی به ارزش‌ها منجر می‌شود به عدم باورمندی به امکان‌پذیری تحقق آنها. جمع‌پذیری تحقق آنها با زیست مدرن، ناتوانی ساختار سیاسی ما در تحقق شعارها منجر می‌شود به بستری برای دوپاره شدن جامعه. عده‌ای از آن به تدریج خارج می‌شوند و سه دسته می‌شوند و مرز تمایزگذاری‌شان می‌شود باورمندی به نظام ارزشی یا نفی نظام ارزشی. پس تقابل هم معنا دارد.»

پیله‌ای شدن و ارائه اطلاعات جهت‌دهی‌شده مهم‌ترین ویژگی خرده‌جوامع

قیدرلو در پاسخ به این سوال که خرده‌جوامع شکل‌گرفته چه ویژگی دارند، گفت: «براساس مطالعاتی که در این‌باره صورت گرفته، آدم‌ها در پیله‌های مجازی قرار گرفته‌اند که اطلاعات به‌شدت جهت‌دهی‌شده و محدود به آنها می‌رسد. به‌صورت مدام آدم‌ها در این پیله‌ها از هم دور می‌شوند. در دل پیله سعی می‌کنند به هم شبیه باشند و رفتارهای هم را تقلید می‌کنند ولی در میان این پیله‌ها و خوشه‌ها مدام فاصله بیشتر می‌شود. لذا جامعه‌ای متکثرتر و از هم گسیخته‌تر را خواهیم داشت. پیوندها در جامعه سست‌تر و خطوط تقابل بیشتر در نفی‌ها به هم نزدیک می‌شود تا در مشابهت‌ها. در جوامع شبکه‌ای که افراد به نحو توزیع‌شده در ارتباط با هم معنی پیدا می‌کنند، آدم‌های مشابه با دغدغه‌های مشابه یکدیگر را به سادگی پیدا می‌کنند و این دغدغه‌های مشابه می‌شود پیله‌هایی که انسان‌ها در آن زیست می‌کنند. اینجا مرجع بیرون از آدم‌ها نیست، مرجع سلیقه و مطالبات افراد است. بنابراین اینجا به‌جای مرجعیت از بیرون مرجعیت از درون افراد است و «من»ها هستند که موضوعیت پیدا می‌کنند. قبیله‌های گذشته براساس خون و نژاد تشکیل می‌شدند و قبیله‌های فعلی براساس سلیقه شکل گرفته است. ولی هم‌گروهی و هم‌پیله‌ای وجود دارد، چون افراد چیزی را دوست دارند که دیگری دوست دارد، لذا همدیگر را پیدا کرده و با هم در راستای رسیدن به یک حس مشترک مشارکت می‌کنند. گروهی حول احکام و قرآن پیله تشکیل می‌دهند و گروهی دیگر حول موسیقی. اگر مشابهت‌ها خیلی زیاد باشد پیله‌ها خیلی همگن می‌شوند و اگر نباشد یک فرد ممکن است در چند پیله زیست کند. امروز چون زیست بسیاری از جوانان و نوجوانان در همین پیله‌هاست، توجه به آن بسیار لازم است؛ چراکه این پیله‌ها تربیت می‌کنند و تعیین‌کننده هستند.»

چگونه این شکاف‌ها را باید رفع کنیم؟

پژوهشگر اقتصاد فرهنگ در ادامه راه رهایی از شکاف‌های به‌وجودآمده را گفت‌وگو بر سر حد وسط نزاع‌ها عنوان کرده و می‌گوید: «یک سری اصول تغییر ناپذیرند. در امور اجماعی که مذاکره نیست و گفت‌وگویی وجود ندارد. حکومت ما حکومت دینی بوده و حکومت جامعه‌مان هم دینی است. حاکمیت ما هم متناسب با رویکردی دینی بوده، لذا اصل قصه و اصل آن پیونددهنده جامعه دین است. در اینکه جامعه ما جامعه‌ای دینی است شکی نیست، اما اینکه این جامعه دینی تا کجای قصه ضرورت به عدم‌پذیرش دیگری دارد بحث دیگری است در اجماعیات؛ در اموری که عرف متشرعه و عرف جامعه هم هست بحثی نیست، اینجا هم عملا اگر عقب‌نشینی کنیم ضرر کرده‌ایم. مثلا عرف جامعه می‌گوید بدن را باید بپوشانیم. آماری که از اکثریت مطلق وجود دارد می‌گوید بدن باید پوشانده شود. این است که من می‌گویم اینها کیس به کیس است و بستگی به شرایط دارد. وضعیت‌های مختلفی که جامعه در آن قرار می‌گیرد مثلا حکومت ما هیچ‌وقت خانم‌ها را مجبور نکرده که همه موی سر خود را بپوشانند و هیچ‌وقت این دغدغه را نداشته، اما این رفتار غیرشرعی بوده است و حکومت ما این را تا حد عرفی پذیرفته و گفته تا این حد اشکال ندارد، این یعنی چه؟ یعنی بخشی از رفتار عرفی جامعه را می‌پذیرفته. حالانکته این است که اندازه‌اش چقدر است؟ این را باید روی کیس‌های مختلف مطالعه و بررسی کرده و افکارسنجی کرد، اما اصل امکانش در ذات حکومت دینی وجود دارد، یعنی اینکه جاهایی رفتارهای عرفی مردم محدوده حساسیت‌های حاکمیت را هم تعیین می‌کند. این در ظواهر وجود دارد، اما این ظواهر برخاسته از عمق باور نیز است. من در جامعه خودم تا چه حدی باید بپذیرم که دیگری حرف بزند؟ خیلی از حرف‌هایی که زده می‌شود حرف‌های مطلوب و پذیرفته‌شده برای من نیست. بحث در مورد اینکه چگونه می‌شود با این موضوع مواجه شد خیلی گسترده است، اما ته قصه این است اگر ما بخواهیم در جامعه پیوند ایجاد کنیم، باید در مباحثی که منجر به چندپارگی جامعه شده است حد وسط را پیدا کرده و در موردش گفت‌وگو کنیم. باید مشترکاتی برای گفت‌وگو پیدا کنیم. اگر نتوانیم جامعه را به‌سمت انسجام ببریم عملا هم ناکام خواهیم بود. تقابل در جامعه بیشتر شده و جامعه رادیکال‌تر می‌شود. یعنی مدام تعارض‌ها و لشکرکشی‌های خیابانی و برخوردهای خشن افزایش می‌یابد. ما در ۱۴۰۱ برخوردهای خیلی خشنی از مردم عادی دیدیم. انسان نمی‌توانست باور کند شهروندی با بلوک سیمانی، شهروند دیگری را که روی زمین افتاده، بزند. این تصور و خشم، تصورناپذیر است. انتظار می‌رود اگر نتوانیم فضا را به‌نحوی تعدیل کرده و بهبود دهیم این جنس مواجهه بیشتر شود.»

دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری آزادی‌های اجتماعی:

در ماجرای درمانگاه قم به مواجهه دو طرف نقد دارم

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

ماجرای اتفاقی که در درمانگاه قم افتاد، تغییرات جدید لایحه حجاب و البته فیلترینگ ازجمله موضوعاتی بود که در نشست خبری دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری آزادی‌های اجتماعی مطرح شدند. سکینه‌سادات پاد که روز گذشته به بهانه گذشت یک سال از تعریف این شان مسئولیتی از جانب رئیس‌جمهور، نشست خبری برگزار کرد، به موضوعات و مسائلی که در یک سال گذشته مطرح شده بود و پیگیری آن پرداخت. دستیار رئیس‌جمهور در آزادی‌های اجتماعی، ضمن اشاره به اینکه موضوع فیلترینگ ازجمله دغدغه‌ها در یک سال گذشته بوده از ارسال نامه و گفت‌وگوی تلفنی با دبیر شورای عالی فضای مجازی برای پیگیری فیلترینگ و پیشرفت آن خبر داد که البته دبیر شورای عالی فضای مجازی پاسخی در این‌باره نداده است.

حضور یا عدم حضور دستیار رئیس‌جمهور در جلسات هیات دولت موضوع دیگری بود که سکینه‌سادات پاد در نشست خبری به آن واکنش نشان داد و گفت: «در خصوص حضور در جلسات از محضر رئیس‌جمهور سوال کردم که باید در جلسه باشم که نسبت به تصمیم‌ها مراقبت کنم. اما تاکنون این امر محقق نشده، با این حال من به استناد بند ج وصیتنامه سیاسی‌الهی امام، اقدام کردم و تک‌تک به دنبال آقایان وزرا در وزارتخانه‌ها می‌روم.» پاد درباره اینکه اختلافاتی درمورد حضور ایشان وجود دارد یا خیر نیز گفت: «چون جایگاه جدید است و رویکرد متفاوت است ممکن است برخی نتوانند تمکین کنند و فرد سلیقه‌اش این نباشد... اما می‌دانم که شخص رئیس‌جمهور به این موضوع اهتمام دارد بیشتر از این هم نمی‌دانم، از خودشان بپرسید.» می‌توان گفت با وجود گذشت یک سال از توجه برای پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی و تعریف سمتی برای پیگیری این موضوع همچنان جای خالی برای توجه بیشتر دولت به این مسئولیت احساس می‌شود. از طرفی سمت دستیار رئیس‌جمهور اختیارات محدودی دارد که درحقیقت در حد ارسال نامه و توصیه و درخواست از وزرا محدود می‌ماند؛ امری که در بیشتر مواقع نیز با بی‌توجهی برخی از وزرا و دستگاه‌های تحت امر رئیس‌جمهور همراه می‌شود.

سکینه‌سادات پاد در صحبت‌های خود به موضوع لایحه عفاف و حجاب هم اشاره کرد و گفت: «اگر لایحه عفاف و حجاب این امکان را دارد که تصویب شود اتفاقا لایحه ارتقای امنیت که با رویکرد جمهوری اسلامی است هم باید زودتر تصویب شود.» دستیار ویژه رئیس‌جمهور در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی در پاسخ به سوال «فرهیختگان» درمورد موضع دولت به تغییرات اخیر لایحه عفاف و حجاب و اظهارات بانکی‌پور گفت: «لایحه‌ای که از قوه قضائیه به دولت رسید ۹ ماده بوده و بعد ۶ ماده به آن اضافه شد و ۱۵ ماده به مجلس ارسال شده است. بیشتر این لایحه شبیه به طرح شد. اما ببینیم سرانجام آن چه می‌شود و تبدیل به قانون می‌شود؟ من مواضعم را از ابتدا گفتم، به شدت موافق بودم که اصل ۸۵ نشود که بازخوردهای اجتماعی سریع‌تر به دست مردم برسد... اظهارات آقای بانکی‌پور اظهارات آقای بانکی‌پور است نه مجلس. موضع دولت را من نمی‌دانم، من دولت نیستم، موضع دولت را از آقای بهادری جهرمی بپرسید. بنده خودم به عنوان یک فرد حقوقی می‌توانم درمورد تک‌به‌تک لایحه نظر بدهم.» دستیار رئیس‌جمهور البته درباره اینکه نظرش درباره این تغییرات لایحه عفاف و حجاب چیست نیز اظهار داشت که نمی‌خواهم در مورد این موضوع اظهار نظر کنم.

پاد در واکنش به ماجرای اتفاقی که در درمانگاه قم افتاد نیز گفت: «از دوقطبی ایجادشده متاسفم. اینکه خشونت کلامی باهم داریم؛ این مواجهات نازیبایی است که با هم داریم. از این دست کلیپ‌ها منتشر می‌شود، اما این اتفاق بدی بود و دوطرف با هم با خشونت صحبت می‌کردند و برمبنای مبادی عقلانی و شرعی و حقوقی نباید به سمت یک نفر غش کنیم. طرفین با یکدیگر مواجهه نازیبایی داشتند. چرا وقتی این روحانی طلبه می‌خواهد امر به معروف کند فیلم می‌گیرد و چه مواجهه‌ای داشته که مرجعیت خود را از دست داده و پرخاشگری در مقابلش انجام شده، نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد؛ این موضوعات مهم است. آن ریشه‌ها باعث شده این فیلم ماجرا بیرون بیاید. من به مواجهه دو طرف نقد دارم و تلاش دارم گفت‌وگوها را به گفت‌وگوهای آرام برسانم و خواسته‌ام فصل مشترک همه ما قانون باشد.»

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲